

اهتمام بر وحدت و تقریب از وظایف امت اسلامی در قرن بیست و یکم

□ اهتمام بر وحدت و تقریب از وظایف امت اسلامی در قرن بیست و یکم

ا یو بکر خو جعلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد الذي جعل عزّة المسلمين في التعايش والاتحاد وجعل فشلهم وذهاب شوكتهم في التنازع والاختلاف،
والصلاة والسلام على النبي الذي بُعث لاتمام مكارم الاخلاق والنهض لرفع العvisية والفخر بالآباء والانساب
وعلى آله واصحابه الذين سلكوا طريقه و نصره بالسمع والطاعة والجهاد، وبعد قال الله تعالى في كتابه
الحكيم: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم: Pوَلَا تَنَازَعُوا ۚ فَتَفْشَلُوا ۚ وَتَذْهَبَ رَیْحُكُمْ ۚ
وَأَصْبِرُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ0([1]).

متأسفانه ممالك اسلامي در اعصار گذشته علي رغم برخورداري از امكانات بالقوة وبالفعل مادي و معنوي و قرار گرفتن در موقعيت استراتژيك جغرافيايي و تسلط بر مناطق حسّاس وسوق الجيشي واز همه مهمتر اختصاص بيش از (20 %) جمعيت جهان به خود بخاطر تقابل وكشمكشهاي قومي ومذهبي وجنگ دروني ودر نهايت

عدم وحدت کلمه نتوانسته است از این امکانات و موقعیتهای گران سنگ در جهت رشد و توسعه همه جانبه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و تکنولوژیکی استفاده بهینه نماید چرا که لازمه رشد و توسعه يك منطقه ثبات و امنیت آن است و رسیدن به ثبات و امنیت نیز در سایه تعامل و همزیستی مسالمت آمیز و اتحاد ممکن میباشد که امت اسلامی از آن بی بهره بوده است ولی از آن سو بعینه مشاهده میکنیم که کشورهای غیر اسلامی بویژه غربیها با اینکه از لحاظ تمدن و سابقه تاریخی و موقعیت جغرافیایی و امکانات بالقوه، ولی در حد و اندازه کشورهای اسلامی نبوده و حتی در بعضی موارد قابل مقایسه با آنها نبودند چگونه توانستند از این حد اقل امکانات حد اکثر بهره ببری را برده و در مدت زمان کوتاهی عرصه های توسعه اقتصادی و سیاسی و نظامی و تکنولوژیکی را در نوردیده و از کشورهای اسلامی مسافتها بلکه سالها فاصله گرفتند. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای حفظه الله در این مورد میفرماید: عزیزان من، امروز دولتها، کشورها و مجامع، مجموعه های بین المللی برای اینکه خود را در عرصه مبارزه زندگی موفق کنند از همه امکانات خودشان - امکانات جغرافیایی امکانات تاریخی امکانات قومی استفاده می کنند چرا مسلمانان از این امکانات موهوب به آنها از جانب پروردگار استفاده نمیکنند، امروز منطقه جغرافیایی مسلمانان مهمترین مناطق عالم است، کشورهای آنها از لحاظ طبیعی جزو ثروتمندترین کشورهای عالم است، امروز دروازه آسیا به اروپا دروازه اروپا به آسیا و آفریقا دروازه آفریقا به اروپا و آسیا متعلق به مسلمانان است این منطقه سوق الجیشی و سرزمینهای با برکتی که در اختیار مسلمانان است، امروز حامل و حاوی چیزهایی است که بشر برای تمدن خود بصورت روزمره به آنها احتیاج دارد مانند نفت و گاز، يك میلیارد و چند صد میلیون نفر مسلمانان هستند یعنی بیش از مردم دنیا این همه جمعیت در چنین منطقه ای آنهم با برافراشته شدن پرچم اسلام در قلب این منطقه - یعنی در ایران اسلامی که امروز قلب و مرکز اصلی دنیا اسلام است چرا - باید از این استفاده نشود؟ این يك امکان بزرگ در اختیار مسلمانان است» ([2]). و در کتاب بررسی امکانات مبادلاتی کشورهای مسلمان متعلق به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران میباشد نیز چنین آمده است:

سرزمینهای اسلامی از طریق خشکی و آبراهها در مسیر عبور به طرف شرق و غرب دنیا قرار گرفته اند. اجزای پراکنده آنها نیز در داخل اقیانوسها و خشکیها هر يك موقعیت خاصی دارند بانگاهی بموقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی ملاحظه میگردد که خاور میانه و شمال آفریقا یکپارچه تحت تسلط آنهاست و آبراههای جنوب شرقی آسیا نیز در حیطه قدرتشان قرار دارد از آبراههای معروف کانال سوئز تنگه مالاکا (بین شبه جزیره مالاکا و سوماترا) رابط میان اقیانوس کبیر و هند تنگه های مابین جزایر اندونزی که به نسبت موقعیتشان نقش حساسی دارند و تنگه جبل الطارق رابط دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس که

ساحل جنوبي آن در محدوده کشورهای اسلامي میباشد قابل ذکر است ارتباط دریاي سیاه و مدیترانه نیز از طریق دوتنگه بسفر و دار دانیل صورت می‌گردد و راه ارتباطی کشورهای اروپای جنوبی و مرکزی به دریای مدیترانه و از آنجا به سایر نقاط جهان از طریق دریای آدریاتیک و دریای سیاه است. در خلیج فارس و دریای عمان نیز همین وضعیّت ملاحظه میگردد» ([3])، و نیز در کتاب فوق آمده است: منابع طبیعی و معادن از امکانات بالقوه کشور محسوب میشوند و در بلند مدت قادرند توان تولیدی جامعه را تحت تاثیر قرار دهند اکثر کشورهای اسلامي دارای منابع طبیعی و معدنی و سوختی مهم و اساسی هستند که با بهره برداری آن بطور اصولی قادرند رشد اقتصادی خود را تضمین نمایند اکنون مهمترین منابع طبیعی نفتی، فسفات، مس، روی و 60 در صد کائوچوی طبیعی جهان به این کشورها تعلق دارد» ([4])، و از طرف دیگر از لحاظ وسعت خاکی کشورهای اسلامي جهان در منطقه ای برابر با 19 در صد کل اراضی جهان قرار دارند» ([5])، با این توضیحات وقتی که انسان وضعیت عقب ماندگی رشد و توسعه کشورهای اسلامي را با این همه امکانات و وفور نعمات الهی به دیده تفکّر و تدبّر مینگرد چیزی جز آیه تلاوت شده فوق در ذهن او تداعی نمیکند که خداوند در ضمن آن آیه فرمود: بایکدیگر نزاع مکنید که در این صورت بزدل شوید و برود دولت و قوّت شما و شکیبایی ورزید هر آینه خداوند باشکیبایان است» چرا که در این آیه (فتفشلوا) به ناتوانی و غلبه ترس تفسیر شده و جمله (و تذهب ریحکم) به معنای هم ضعف و ناتوانی دفاعی و هم بمعنای از دست رفتن قدرت، مالی و اقتصادی تفسیر شده است لذا به این نتیجه می‌رسیم که هم عقب ماندگی نظامی و هم اقتصادی هر دو زائیده تفرقه و تشتت است حال بر ما امت اسلامي است که با مد نظر قراردادن روزگاران تلخ و تراژدی گونه برخورد قومیتها و مذاهب در جهان اسلام با نگرشی نو و حرمت مدارانه نسبت به برادران دینی چه شیعه چه سنی تلاش مجدانه ای را در راستای تحقق وحدت و تقربیمیدن روح اخوت به پیکرة امت اسلامي. قرن بیست و یکم را قرن اسلام و قرن دوستی و محبّت بین فرق اسلامي و شکوفایی همه جانبه اقتصادی و نظامی و سیاسی و فرهنگی امت اسلامي به جهانیان معرفی نمائیم و پرواضح است که دست یابی به چنین هدف مقدّسی (که انشاء الله با همّت صادقانه ای که رهبریت و مسئولین سیاسی جمهوری از جمله رئیس جمهور محترم ایران اسلامي در راستای تنش زدایی از روابط فیما بین کشورهای اسلامي بخرج میدهند این مهم دور از دست رس نیست) در گرو وظیفه شناسی امت اسلامي بویژه علماء و امرا خواهد بود چرا که رسول گرامی اسلامي 0 فرمودند: «صنفان من امتی اذا صلح العالم و اذا فسد فسد العالم» یعنی دو گروه از امت من هستند که هرگاه اصلاح شوند جهان اصلاح خواهد شد و هرگاه فاسد شوند جهان فاسد خواهد شد با این مقدّمه مقاله خود را تحت عنوان اهتمام به وحدت و تقرب از وظایف مهم امت اسلامي در قرن بیست و یکم در هفت فصل که حاوی هفت وظیفه مهم امت اسلامي در راستای تحقق وحدت میباشد تقدیم میکنم:

1 - توسعه دین مداری بعنوان پیش شرط تحقق وحدت و تقرب.

2 - گشودن باب گفتگوهای سازنده بین خواص فرق اسلامی.

3 - نه‌راسیدن رهبران سیاسی کشورهای اسلامی از تحقق وحدت امت اسلامی.

4 - انعقاد پیمانهای دفاعی مشترک بین کشورهای اسلامی.

5 - رسمیّت بخشیدن به مصوّبات همایش بین المللی وحدت از طریق سازمان کنفرانس اسلامی.

6 - ترویج فرهنگ حرمت‌مداری در نوشتارها.

7 - برقراری ارتباطات دانشگاهی و حوزوی بین کشورهای اسلامی.

1 - توسعه دین مداری بعنوان پیش شرط تحقق وحدت و تقرب

ما باید به این واقعیّات اذعان نمائیم آنچه که در حله اول عامل انس و الفت و نزدیکی قلبها در یک جامعه میشود و در انسانها نسبت به یکدیگر جاذبه ایجاد کرده و باعث محبّت و دوستی میگردد، دیانت و دین مداری است چرا که خداوند در قرآن کریم میفرماید:

0([6]) دُوْنُ مَنْ هَلْ لَّعَلَّ عَجَبٌ سَاتِ حَالُ الصَّوْاْ لِمَعَوَّ وَ اُوْدَآمَ بِنِذَالِ اَنَP

همانا آنانکه بخدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند خدای رحمان آنها را در نظر خلق و حق محبوب میگرداند([7]). همچنین خداوند متعال فرمودند:

وَإِنْ آمَنَ الَّذِينَ نَزَّلَتْ بِهِ الصُّرُوحُ فَلَا وَهُمْ هَيَلَاءٌ فَوَخَّالَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِنْ يَنْزِلُ عَلَيْهِمْ صَبْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَكُنَّ فِيهِمْ لَأَذَاتٌ لَوْ أَنَّهُمْ يَحْكُمُونَ لَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۚ 0... [8].

آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترس (از حوادث آینده عالم) و هیچ اندوهی (از وقایع گذشته جهان در دل آنها نیست آنان اهل ایمان و خدا ترس هستند آنها را از خدا پیوسته بشارت است هم در حیات دنیا (بمکاشفات) در عالم خواب و هم در آخرت بنعمتهای بهشت» ([9]).

گرچه بشارت و مژده دنیوی آیه به رؤیای صالحه و صادق که فرد یادیگری به سود ایشان میبیند تفسیر شده است ولی بعضی از مفسرین این مزدگانی دنیوی را که بواسطه دین مداری نصیب انسان مؤمن میشود به دوستی و محبت خلق تفسیر کردند و گفته اند هرگاه بنده به عبادت خداوند متعال مشغول میشود قلب ایشان متنور گردیده و از نولبریز میشود سپس از این نوری که در قلب اوست به سیمای ایشان بروز کرده نمایان میگردد و برچهره او نیز آثار تواضع و فروتنی آشکار گردیده همه انسانها نسبت به ایشان دوستی و محبت پیدا مینمایند و او را ستایش میکنند و از سوی دیگر این دیانت و دین مداری است که انسانها را تعامل و همزیستی همراه با حرمتداری با همنوعان توصیه میکند و آنها را از هر نوع تعدی به حقوق سیاسی اجتماعی و عقیدتی دیگران بر حذر میدارد چرا که اسلام حفظ حرمت انسان را از حفظ حرمت خانه خدا و کعبه برتر و واجب تر دانسته است همچنانکه از عبدا بن عمر (رض) روایت است که ایشان روزی به کعبه نظر انداخته و گفتند:

«ما اعظمك واعظم حرمتك، والمؤمن اعظم حرمة منك» ([10]). یعنی ای کعبه چقدر تو بزرگ هستی و چقدر حرمت و کرامت تو عظیم و بزرگ است ولی بدان که انسان مؤمن از توهم حرمتش بزرگتر و عظیمتر است.

لذا اگر بخواهیم توفیقی در جهت تحقق وحدت و تقریب امت اسلامی بدست آوریم چاره ای جز تقویت ایمان

وتوسعه دین مداری (جداي سنّیت وشیعیّت افراد) نداریم همچنانکه رئیس جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای خاتمی فرمودند:

«مهمترین عامل وحدت بخش دین است» ([11])، و دین مداری نه تنها پیش شرط تحقق وحدت و الفت در يك جامعه است بلکه موفقیت توسعه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه نیز منوط به ارتقاء سطح دین مداری در آن جامعه است چون بگفته رئیس جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران این دین است که سعادت واقعی بشر در دنیا و آخرت را تامین میکند و زندگی بدون دین زندگی بی روحی است ([12]).

ولي با این وجود متأسفانه امروزه با اندازه‌ای که از توسعه اقتصادی و سیاسی و غیره سخن بمیان می‌آید از توسعه دین مداری و تقویت باورهای دینی مردم بویژه قشر جوان و تحصیل کرده سخن بمیان نمی‌آید، باید از این مسئله غافل باشیم که اگر در گذشته نگرش یکسوگرایانه و تک بعدی به دین مداری منهای سیاست و اقتصاد ضربات مهلکی برپیکره امت اسلامی وارد کرده است امروز هم اگر اصرار بر توسعه اقتصادی و سیاسی بدون توجه به توسعه دین مداری روند افراطی و تک بعدی خود را بپیماید نتیجه‌ای جز فقر و تنگدستی و هرج و مرج و جنگ قدرت برای جامعه اسلامی نخواهد داشت چرا که عرصه‌های اقتصادی و رقابت‌های سیاسی اگر همراه با دین مداری و احساس مسئولیت به درگاه خالق یکتا نباشد به جنگ ازدیاد ثروت و کسب (بیشتر) قدرت تبدیل شده و موجبات ایجاد تنش و نا امنی و فقر معیشتی را در جامعه فراهم میسازد و ملموس ترین دلیل بر اثبات این مدّعا سرنوشت خفت بار شوروی سابق میباشد که چگونه پس از 70 سال جنگ با خالق یکتا و زدودن نور ایمان و دین مداری از جامعه توسط کمونیستهای محارب با خدا از درون فرو ریخته و متلاشی شد و ثمره‌ای جز فقر مضاعف و عقب ماندگی اقتصادی برای مردم به جای نگذاشت لذا شایسته است که با در نظر قراردادن تجربه تلخ دین ستیزی در قرون گذشته در جهت نهادینه کردن دین مداری در جامعه اسلامی تلاش مضاعف نماییم.

بنظر من اکثر بدینی‌ها وانگاره‌های منفی فرق اسلامی نسبت به پندارهای فقهی و کلامی یکدیگر در نتیجه دوری و عدم شناخت کافی از پنداشتهای دینی طرفین پدید می‌آید و الاً همه انسانها در اصل فطرت و خلقت از يك جوهر و يك گوهرند همچنانکه سعدی رحمت ا[] علیه می‌گوید:

بني آدم اعضاي يکديگرند __ که در آفرينش زيک گوهرند ([13]).

چو عضوي ببرد آورد روزگار __ دگر عضوها را نماند قرار

و نیز از رسول اکرم 0 روایت است که فرمودند:

«الارواح جنود مجتدة فما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف» ([14]).

(ارواح لشکریان مجتمعی هستند که هر کدام از آنها با هم شناخت پیدا کنند مالوف میشوند و هر کدام که باهم شناخت پیدا نکند اختلاف پیدا میکند).

مفسّرین در تبیین و تفسیر این حدیث شریف تعبیر گوناگونی ارائه دادند که تقریباً با هم همگونی دارند و آن اینست که ارواح انسانها لشکریان سازمان یافته‌ای هستند که اگر هرکدام از آنها در عالم روح نسبت به هم شناخت و معرفت پیدا کرده‌اند در عالم خلق و جسم باهم الفت و دوستی می‌بایند اگر هر يك از آنها که در عالم روح نسبت به یکدیگر شناخت و معرفت پیدا نکرده‌اند در عالم خلق و جسم باهم اختلاف پیدا میکنند یعنی همه اختلافات و اختراقات و یا مودت و دوستی‌ها را در عالم حیاة دنیوی به معرفت و یا

عدم معرفت نسبت به یکدیگر در عالم امر یا عالم روح منوط میکنند ولی اینجانب با احترام کامل نسبت به این مفسّرین محترم برداشت نو و جدیدی از این حدیث مینمایم برداشتی که گمان میکنم درک آن برای انسانهای امروزی ملموس تر و با واقعیتهای موجود در جوامع بشری همگون تر باشد.

وآن اینست که معنای حدیث فوق بدین شکل است که ارواح انسانها در اصل يك لشکر واحد هستند که هر کدام از آنها در حیات دنیوی نسبت به یکدیگر شناخت و معرفت پیدا کردند باهم دوست و مالوف میشوند و هر کدام از آنها که در حیات بشری نسبت به همدیگر معرفت و شناخت پیدا نکنند باهم اختلاف و دودستگی پیدا میکند یعنی لازمه دوستی و الفت آشنایی و شناخت نسبت به یکدیگر است و لازمه دشمنی و اختلاف، دوری و عدم شناخت از یکدیگر است لذا اینجانب که مقوله ارتباطات نزدیک و گفتمان اهمیّت تعیین کننده خود را نمایان میسازد چرا که بنده معتقدم بسیاری از بدینیها و بسیاری از شبهاتی که از جانب برخی مذاهب اسلامی نسبت به برخی دیگر در باب مسائل گوناگون اعتقادی و فقهی و کلامی بعنوان خلاف دین مبین اسلام و حتی نعوذ بالله موجب تکفیر مطرح و شایع میگردد و موجبات تنش و تقابل فرق اسلامی را فراهم میسازد در نتیجه همین عدم ارتباط و گفتمان دو جانبه و در نهایت عدم شناخت و معرفت نسبت به پنداشتهای یکدیگر از مسائل اعتقادی و فقهی ناشی میشود چرا که اگر این گونه شبهات بواسطه ارتباط و گفتگو به دقّت ریشه‌یابی گردند، معلوم میشود که این گونه شبهات در مذهب مورد اتهام، سندیّت نداشته و اساساً مردود بوده است و طرح و شیوع آن نیز یا ناشی از سوء برداشت و عدم شناخت نسبت به دیدگاه مذهب مورد نظر بوده و یا اینکه اصولاً اینگونه شبهات از جانب مستکبرین و مستعمرین جهت دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و شعله ورکردن آتش افتراق و تشتت در بین مذاهب اسلامی و بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی طرح و شایع گردیده‌است.

همچنانیکه در کتاب ([15])، خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی چنین آمده است که یکی از وظایف مهم او عبارت بود از: دامن زدن به اختلافات مذهبی با ایجاد حس بدگمانی و سوء ظن در میان مسلمین شیعه و سنی با نگارش مطالبی اهانته و تمیز و تهمت‌انگیز از سوی هرگروه نسبت به گروه دیگر و خودداری نکردن از صرف هزینه‌های سنگین در این راستا و پرواضح است که تنها چاره رفع این شبهات و خاموش کردن شعله اینگونه فتنه‌ها جلوگیری از اثرات مخرب آن در از هم گسیختن صفوف بهم فشرده مسلمین از طریق همین مقوله گفتمان و گشودن باب گفتگوهای سازنده بین خواص فرق اسلامی ممکن مینماید لذا از آنجائیکه بحمد الله سال دو هزار و یک به پیشنهاد رئیس‌جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران از سوی

سازمان ملل بعنوان سال گفتگوی تمدن‌ها اعلام گردیده جادارد که این مسئله در بُعد داخلی جهان اسلام نیز بعنوان راهکاری نو و مؤثر در راستای رفع شبهات و تحقق وحدت و تقریب بین فرق اسلامی مورد توجه علماء و اندیشمندان جهان اسلام قرارگیرد.

3 - نه‌راسیدن رهبران سیاسی از تحقق وحدت امت اسلامی

متأسفانه یکی از علل وجودی تفرقه در جهان اسلام همانا هراس رهبران سیاسی از تحقق وحدت امت اسلامی بوده است زیرا چه بسا حاکمانی بقای حکومت خویش را در گرو ایجاد تفرقه و دو دستگی و عمل به تز باطل «تفرقه بیانداز و حکومت کن» دانسته با تشدید اختلافات قومی و فرقه‌ای مردم پاك طینت را به جان هم انداخته زمینه انحطاط و عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی و نظامی امت اسلامی را فراهم ساختند و در نتیجه هم خود نابود شده و هم موجبات نابودی مردمان بی‌گناه را مهیا نمودند و متأسفانه در حال حاضر نیز این تز (تفرقه بیانداز و حکومت کن) بعنوان ابزاری مؤثر جهت اعمال سلطه توسط کشورهای غربی بین ممالك اسلامی مورد استفاده قرار میگیرد چرا که سردمداران این کشورها با خطرناك جلوه دادن بعضی از کشورهای اسلامی نسبت به بعضی دیگر باعث ایجاد تنش و بدبینی بین کشورهای اسلامی میشوند و در نتیجه سرزمینهای اسلامی بخصوص خارومیانه را به جولان‌گاهی برای اجرای سیاستهای استعماری و آزمایش اسلحه‌های ساخته خود تبدیل میکند و به بهانه برگذاری، مانورهای مشترک نظامی کشورهای اسلامی منطقه را متحمل هزینه‌های هنگفت میلیاردي میکنند و از طرف دیگر با خطرناك جلوه دادن برخی حکومتها نسبت به برخی دیگر میلیاردها دلار از طریق فروش اسلحه و مهمات و هواپیماهای جنگی بدست می‌آورند و نتیجه این میشود که بین کشورهای اسلامی دیوار ضخیمی از بدبینی و بی‌اعتمادی ایجاد شده و این کشورها بجای اینکه درآمدهای سالیانه خود را صرف ایجاد تاسیسات زیربنایی و یا تولیدی نمایند به هراس از حمله فلان کشور غالب درآمدهای خود را جهت خرید اسلحه و مهمات میکنند و در نتیجه هم باعث سلب امنیت و آرامش از منطقه شده و هم سبب زمین گیر شدن و یا کند شدن روند رشد اقتصادی کشورهای اسلامی میگردند (نمونه بارز آن رشد تولیدات غیر نفتی عربستان سعودی بوده که از بیست در صد در طول پنج سال به چهل و چهار در صد رشد داشته ولی بخاطر وقوع حمله نظامی عراق به کویت و ورود این کشور به این درگیریها این روند رشد متوقف شده است) ([16]).

ونه تنها اسباب استحکام پایه‌های حکومت خویش را فراهم نمی‌سازند بلکه در پی گشودن پای بیگانگان به سرزمینهای اسلامی احساسات پاك ملت‌های اسلامی را علیه خود بر می‌انگیزند و زمینه‌های بدبینی و حتی قیام امت اسلامی و تزلزل پایه‌های حکومت خود موجب می‌گردند در حالیکه اگر این کشورها به جای گشودن پای بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی که جدای از تبعات سیاسی همچون ایجاد رعب، وحشت و تنش بین همسایگان و ملت‌های مسلمان تبعات نفوذ فرهنگ ابتذال غرب را نیز به همراه دارد به برقراری ارتباط و روابط دوستانه و برادرانه همراه با حسن همجواری با کشورهای همسایه مبادرت ورزند میتواند بجای صرف هزینه‌های سنگین جهت تجهیز ماشین جنگی خود با خاطری آسوده و اطمینان در جهت رشد و توسعه و رسیدن به شکوفایی اقتصادی و نیل به خودکفائی سرمایه گذاری کرده و حکومت خویش را استحکام بخشند و از آن طرف در قلوب مسلمین، محبوب قرار گیرند همچنانیکه مصلح زمان امام خمینی رحمت الله علیه، با ندای «یا ایها المسلمون اتحدوا اتحادوا» و دعوت به اخوت و برادری انقلاب اسلامی را در ایران اسلامی به پشتوانه اتحاد مردمی به پیروزی رسانده و حکومت اسلامی را در جمهوری اسلامی ایران پایه گذاری نمودند و نه تنها از تحقق وحدت امت چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی متضرر نشدند بلکه بواسطه منادی وحدت بودن در قلوب ملت اسلامی ایران و فراتر از آن در قلوب امت اسلامی و فراتر از آن در قلوب انسان‌های آزادیخواه جهان جا گرفتند و بر خلاف بعضی از رهبران سیاسی که برآبدان انسان‌ها حکومت میکردند ایشان بر قلوب مردم و امت اسلامی حکمرانی کردند و این نوع حکومت است که جاودانه و ماندگار است چرا که هنوز که هنوز است و با گذشت يك دهه از رحلت ایشان شیفته گان آن حضرت در جای جای امت اسلامی در قیام‌های انقلابی خود ایشان را اسوه و الگوی خویش قرار میدهند، باشد که دولتمردان اسلامی نیز با الگو قرار دادن سیره ایشان در شیوه حکومتی خود در جهت تحقق وحدت و الفت بین امت اسلامی تلاشی جدی نموده و از عینیت یافتن وحدت امت اسلامی کوچکترین هراسی به دل راه ندهند چرا که این وحدت و برادری است که به حکومت‌های اسلامی قدرت و شوکت و استقلال و آزادی از یوق سلطه مستکبرین را به ارمغان می‌آورد و آنها را از وابستگی‌های اقتصادی نظامی و سیاسی نجات میدهد.

از جمله همکاری‌هایی که می‌تواند پایه‌های اخوت و برادری امت اسلامی را استحکام بخشیده و زمینه را برای بازگرداندن عزت و شوکت به جهان اسلام و ایجاد امت واحد اسلامی قدرتمند آماده سازد انعقاد پیمان‌های دفاعی مشترک بین کشورهای اسلامی و در صورت امکان سازمان دهی نیروی نظامی مشترک بنام پیمان امت و یا هر عنوان دیگر و انجام ما نورهای مشترک دریایی و زمینی و هوایی می‌باشد که این امر می‌تواند نقش بسیار حیاتی و تعیین کننده‌ای در توازن قدرت در جهان بسوی تک قطبی شدن امروز داشته باشد و بهانه را از حضور گسترده نیروهای بیگانه در سرزمین‌های اسلامی سلب نمایند و ثبات و امنیت منطقه را با بهره‌گیری از نیروهای خودی و با کمترین هزینه و بدون تبعات جانبی تامین نمایند.

5 - رسمیت بخشیدن به مصوبات همایش بین المللی وحدت از طریق سازمان کنفرانس اسلامی

اینجانب از آنجائیکه بیاد دارم در طول تقریباً شش کنفرانس که در کشور اسلامی ایران برگزار شد شرکت نمودم مصوبات بسیار ارزنده‌ای در رابطه با وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در این همایش‌ها توسط اندیشمندان برجسته شرکت کننده جهان اسلام به تصویب رسید ولی متأسفانه از آنجائیکه این مصوبات از يك پشتوانه قانونی و اجرایی برخوردار نبود همگی در حد يك شعار و طرح باقی ماند و اثرات آنچنان مطلوبی که باید برافکار عمومی پیروان مذاهب اسلامی می‌گذاشت برجای نگذاشت لذا اینجانب پیشنهاد میکنم با توجه با اینکه هزینه‌های سنگینی در جهت برگزاری اینگونه همایش‌ها میشود و بعضاً نیز از این جهت مورد انتقاد قرار می‌گیرد مصوبات این گونه همایش‌ها را جهت رسمیت بخشیدن به سازمان کنفرانس اسلامی ارائه کنید تا دست اندرکاران این سازمان نیز طی نشستی حتی الامکان در حد وزرای خارجه این مصوبات را به بحث و تبادل نظر گذارده و به تصویب نهایی برساند تا انشاء الله تصمیمات متخذه در این همایش‌ها و جاهت قانونی پیدا کرده و اثرات مطلوبی در رستای ایجاد وحدت و اخوت برجای گذارد.

6 - ترویج فرهنگ حرمت مداری در نوشتارها

در مورد حرمت و کرامت و قداست قلم و قلم فرسایی این نکته بس که خداوند متعال در قرآن کریم از آن همراه با قسم یاد کرده است: «ن والقلم وما یسطرون» قسم به نون که نام نوریا لوح نورخداست و قسم به قلم و آنچه خواهد نگاشت و این حاکی از عمق عظمت و کرامت و حرمت قلم و قلم فرسایی از دیدگاه اسلام است همچنانکه خداوند متعال در آیه دیگر از قلم و قدرت نوشتاری در انسان بعنوان کرامتی یاد کرده که از جانب خود به ایشان عطا نموده است: IP قُرَا وَرَبُّكَ الْوَكَرُّمُ ۚ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۚ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ 0 بخوان قرآن را و پروردگار تو کریمترین کریمان عالم است، خدائی که بشر را علم به نوشتن به قلم آموخت و به آدم آنچه را نمیدانست بالهام خود تعلیم داد. پس قلم و قلم فرسایی نه تنها خود از جانب پروردگار از حرمت و کرامت خاصی بر خوردار میباشند بلکه مایه حرمت و کرامت انسان نیز هستند بشرطی که این حرمت و کرامت از جانب او نگاه داشته شود ولی متأسفانه ما میبینیم که چگونه این حرمت و کرامت بعضاً از جانب برخی نویسندگان و نقادان هتاک می شود و دریده میشود چرا که متأسفانه اینگونه نویسندگان بجای اینکه برای اثبات مدعی خود از شیوه‌های مثبت پیروی کنند راههای منفی و افراط گرایانه را برگزیده با شمشیر هتاک بر دیدگاهها و معتقدات مذاهب اسلامی دیگر که بعضی از آن معتقدات از مقدسات آن مذهب شمرده میشود میتازند حتی در برخی موارد نعوذ بالله تاحد تکفیر مذهب مورد نقد نیز پیش میروند و بدین سان تنش‌ها و جالش‌های فرقه‌ای را در درون امت اسلامی شعله ورمیکنند و اسباب افتراق و تشتت جهان اسلام را فراهم میسازند چرا که به جرات میتوان ادعا کرد که از اساسی ترین عوامل تفرقه و تقابل فرقه‌ای همانا افراط و تعدی برخی از نویسندگان و نقادان در بررسی و نقد دیدگاهها و پندارهای فرق اسلامی از طریق تالیف کتب و انتشار مقالات میباشد و از آن سو نیز میتوان مدعی شد که تحقق وحدت و اصلاح ذات بین امت اسلامی نیز در گرو همین قلم و قلم فرسایی است که اگر همراه با حفظ حرمت و کرامت و رعایت حدود الهی باشد زیرا که از بعضی از حکما نقل شده است که گفتند: «قوام امور الدین والدنیا بشیئین القلم والسیف» تحت القلم لولا القلم لما قام دین ولا صلح عیش» ([17])، قوام پایداری دین و دنیا با دو چیز است یکی قلم و دیگری شمشیر و بقای شمشیر نیز در سایه قلم است و اگر قلم نبود نه دینی پا برجا بود و نه صلح و همزیستی لذا جهت ترویج فرهنگ حرمت مداری و جلوگیری از تعدی و افراط در بررسی و نقد دیدگاههای فرق اسلامی پیشنهادات ذیل ارائه میگردد:

1 – معرّفی و تشویق مؤلفین و نویسندگانی که در نوشتارهای خود حرمت مدارانه با پندارهای مذاهب دیگر بر خورد کردند.

2 – تشکیل کمیته‌های نظارت بر رعایت حرمت مداری با عضویت اندیشمندان کشورهای اسلامی.

3 - وضع قوانین بازدارنده از تعدّی و افراط در نوشتارها نسبت به پنداشتهای مذهبی فرق اسلامی توسط مراکز قانون گذاری کشورهای اسلامی.

7 - برقراری ارتباطات دانشگاهی و حوزوی بین کشورهای اسلامی

از جمله راهکارهایی که میتواند در تحقق وحدت و تقریب بین فرق اسلامی نقش تعیین کننده ای ایفا نماید همین برقراری ارتباطات علمی و آموزشی و همکاریهای تحقیقاتی بین طلاب علوم دینی و دانشجویان میباشد امری که میتواند هم اسباب رشد و توسعه علمی و پژوهشی و هم موجبات تالیف قلوب بین دانش پژوهان مسلمان که اندیشمندان آینده جهان اسلام هستند فراهم سازد بدین طریق که هرگاه گروهی از دانشجویان و طلاب علوم دینی با هماهنگیهای مسئولین آموزش عالی کشورهای اسلامی به عنوان اردوهای آموزشی و پژوهشی مدتی را جهت بازدید از مراکز علمی و دانشگاهی و حوزوی کشورهای اسلامی و تشکیل میزگردهای علمی بین دانشجویان و طلاب اختصاص دهند و ضمن اینکه از تجربیات علمی و تحقیقاتی یکدیگر استفاده ای بهینه میبرند از دیدگاههای اعتقادی و مذهبی یکدیگر. آشناشده و بسیاری از شبهات و پنداشتهای منفی را که در پی دوری و فراق در بین مذاهب اسلامی ایجاد شده را بر طرف نمایند حال اینجانب جهت اثبات این مدّعی به نمونه بارزی از موفقیت آمیز بودن اینگونه ارتباطات به اجمال اشاره میکنم.

چند سال پیش وبه دعوت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گروهی از دانشجویان رشته زبان فارسی دانشگاه فحتمقامی فراغی کشور اسلامی ترکمنستان برای گذراندن اردوی آموزشی و سیاحتی به شهرستان گرگان در استان گلستان آمدند و نتیجه این شد که این گروه شصت نفری بعد از 50 روز با شرکت در کلاسهای فشرده آموزش زبان فارسی و قرآن کریم که به همّت مسئولین جمهوری اسلامی ایران و با همکاری نماینده معزّز ولی فقیه در استان گلستان حضرت آیت الله نوری مفیدی و بهره گیری از اساتید مجرب ادبیات زبان فارسی تشکیل شده بود در این مدت کوتاه توانستند تا اندازه ای به مکالمه و کتابت و حتی انشاء زبان فارسی و قرائت قرآن کریم تسلط یابند بطوریکه تمام برنامه های اختتامیه از قبیل اجراء و قرائت قرآن و خیر مقدم گویی به میهمانان توسط خودایشان صورت گرفت امری که تعجب همگان از جمله اینجانب برانگیخت چرا که وقتی با معیّت ریاست محترم دفتر نماینده ولی فقیه در استان گلستان به استقبال ایشان رفتم بجز مسئول این گروه که گویا دکتر ای ادبیات فارسی داشت کسی از ایشان قادر به تکلم به زبان فارسی نبود. لذا شایسته است مسئولین آموزش عالی و حوزه های دینی کشورهای اسلامی به این مسئله بعنوان عامل مهم تحقق وحدت و تقریب و توسعه علمی همّت گمارند. پایان

([1]). الانعام 46.

([2]). بيانات مقام معظم رهبري در دیدار با میهمانان دهمین کنفرانس بین المللی وحدت، نقل از اخبار تقریب (9).

([3]). بررسی امکانات مبادلاتی کشورهای اسلامی صفحه 7.

([4]). بررسی امکانات مبادلاتی کشورهای اسلامی صفحه 18.

([5]). بررسی امکانات مبادلاتی کشورهای اسلامی صفحه 18.

([6]). طه 96.

([7]). الهی قمشهای (قرآن ترجمه دار).

([8]). یونس 62 – 64.

([9]). الهی قمشهای.

([10]). الحلال والحرام فی الاسلام.

([11]). سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین خاتمی در مراسم افتتاحیه اولین دوره شوراهای اسلامی تهران – شبکه 1، 9 اردیبهشت.

([12]). سخنرانی رئیس جمهور در آغاز بکار اولین دوره شوراهای اسلامی در جمهوری اسلامی ایران شبکه 1، 9 اردیبهشت.

([13]). نقل از تفسیر روح البیان جلد 3.

([14]). مرفاة شرح مشکاة ، جلد 4 ، صفحه 704.

((15)). کتاب خاطرات همفرجاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی.

((16)). بررسی امکانات مبادلاتی کشورهای مسلمان صفحه 283.

((17)). تفسیر روح البیان ج 10 صفحه 102.